

مضامین مشترک انسان شناسی در صحیفه سجادیه و اشعار منسوب به امام سجاد (ع)

رضا افخمی عقدا^۱

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه یزد

محبوبه زارع مهرجردی

دانش‌آموخته دکتری در رشته زبان و ادبیات عربی

وصال میمندی

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه یزد

(۱۹-۳۶)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۰۲/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۱/۱۸

چکیده

امام سجاد(ع) در شرایط سخت پس از رخداد عاشورا، مسؤلیت خود را بیشتر از طریق کلام و سخن که بخش اعظم آن در قالب ادعیه و کلمات قصار و کمی در اشعار برجای مانده از آن حضرت تجلی یافته، به انجام رسانیده است. کلام وی در عین حال که رابطه عاشقانه انسان با خدا را به زیباترین شکل ممکن به تصویر کشیده، حاوی موضوعات گوناگون و متنوع در رابطه با جنبه های مختلف هدایت انسان است. اشعار منسوب به آن حضرت نیز بسان دعاهای صحیفه سجادیه، دربردارنده نکات ارزشمند و ضروری در هدایت بشر به سوی کمال است که این مقاله سعی نموده با واکاوی اشعار منسوب به امام سجاد(ع)، مفاهیم انسان شناسی را از لابلای دیگر مضامین استخراج و همراه با شواهدی از کلام امام در صحیفه عرضه نماید.

واژه‌های کلیدی: امام سجاد، صحیفه سجادیه، انسان شناسی، شعر، فضائل، رذائل

مقدمه

یکی از راه های دست یافتن به اندیشه‌ها و اهداف هر اندیشمندی تأمل در سخنان اوست؛ بویژه آن جا که صاحب سخن ردای رهبری بر تن داشته باشد، پی بردن به منویات او بر مریدان لازم آید. در این راستا اندیشیدن در کلام پیامبر (ص) و امامان (ع) به عنوان قرآن ناطق و صاعد، هم طراز با تأمل و تدبیر در قرآن صامت و نازل می‌نماید.

امام علی بن الحسین (ع) با القابی نظیر: امین، سجاد، زکی، زین الصالحین، منار القانتین و ... (اربلی، ۱۳۸۱، ۷۴/۲-۷۳) که نشان دهنده مرتبه ای از کمال نفس و درجتی از ایمان، و مرحله‌ای از تقوا و پایه‌ای از اخلاص است (شهیدی، ۱۳۶۵، ۸) بیشتر شب‌های عمر خود را به نماز، دعا، مناجات و طاعت خدا گذرانیده است (همان، ۱۳۹). شمه ای از کلام وی، دعاها، موعظه‌ها و مناجات‌هایی است که در صحیفه سجادیه، رساله حقوق، کلمات قصار، خطب و اشعار منسوب به آن حضرت، وجود دارد. (وجدانی، ۱۳۵۳، ۸۶/۱-۸۵) و ضمن بیان چگونگی ارتباط عبد با معبود، حاوی آموزه‌هایی در تبیین معارف گوناگون دین اسلام است. (فرزانه، «انسان شناسی در صحیفه سجادیه»، ۲۰/۱/۱۳۸۷)

در مورد انتساب اشعار به معصومان به شکل عام و امام علی بن الحسین (ع) به شکل خاص، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. برخی راه احتیاط در پیش گرفته‌اند و شأن معصومان را اجل از شعر می‌دانند که شاید این امر ناشی از آیه «وَأَلْشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ» (الشعراء، ۲۲۴) و در راستای مبراً دانستن معصومان از این امر باشد؛ چرا که در جای دیگر خداوند با بیان «وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ» (یس، ۶۹) مقام رسالت را فراتر از شعر و شاعری می‌داند؛ اما در برخی از کتب نظیر: «مناقب آل ابی طالب»، «بحار الأنوار» و ...، قطعه‌ها و چکامه‌هایی از این بزرگان نقل گردیده است تا آن جا که مجموعه اشعار برخی از آنان گردآوری شده که دیوان منسوب به امام علی بن ابی طالب (ع) گواه این امر است. در این میان پژوهندگانی نیز اقدام به جمع آوری شعر معصومان در قالب یک مجموعه کرده‌اند که می‌توان برای نمونه به کتاب «الدَّرُّ الثَّمِينِ أَوْ دِيْوَانِ الْمُعْصَمِينَ» اثر «محمد علی مدرّس تبریزی» اشاره کرد.

ویژگی‌های انسان در شعر امام سجاد(ع)

با مروری بر اشعار منسوب به آن حضرت، به اغراض متعدد شعری چون: فخر، حکمت، شکیوه و معارضه بر می‌خوریم که مضمون اصلی این اشعار بر محور انسان و عوامل سعادت و شقاوت او می‌چرخد؛ آن موجودی دو بعدی که از یک سوی میل به خاک دارد؛ «إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ» (الصافات / ۱۱) و از دیگر سوی به برتر از ملک و فلک نظر دارد؛ «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (الحجر / ۲۹) آدمی در هر یک از این دو مسیر گام نهد، خصوصیات و صفاتی متناسب با آن کسب می‌کند که نتیجه عملکرد خود اوست. مهم‌ترین این ویژگی‌ها در صحیفه و اشعار منسوب به امام سجاد (ع) عبارتند از:

۱- ویژگی‌های مثبت انسان

در بسیاری از اشعار منسوب به امام سجاد (ع) برای انسان صفات نیک و ارزش‌های والایی بیان گردیده که برخی از آنها عبارتند از:

۱-۱ خداگرایی

چنان که اشاره رفت انسان موجودی دو بعدی است که اگر از تأثیر عوامل بازدارنده پیرامون خود مصون بماند، خداجویی فطری او ظهور نموده و به درگاه معبود یگانه سر می‌ساید. (فرزانه، انسان شناسی در صحیفه سجادیه، ۱۳۸۷/۱/۲۰)، او را می‌خوانند و از او مدد می‌جوید، در پاره ای از ابیات منسوب به امام (ع) توحیدگرایی انسان در قالب حمد و ثنای پروردگار و بیان صفات خداوندی همراه با راز و نیاز بنده جلوه‌گر شده است، مانند:

يا خالقاً يا مَنْ لا شَيْبَةَ لَهُ اِسْمَعْ دَعَائِي وَ يَسِّرْ لِي مَهْمَاتِي
يا مَنْ تَعَالَى بِلَا وَصْفٍ يَكُونُ لَهُ لِلْوَاصِفِينَ وَ لا مَدْحَ الرِّيَّاتِ
(الموحد الأبطحي، ۱۴۱۸، ۵۱۷)

امام (ع) در «صحیفه» خداجویی انسان را با زبان دعا در مواردی متعدّد بیان نموده است. چنانکه امام(ع) در نخستین بخش دعای اول «صحیفه» علاوه بر حمد و ثنای

پروردگار، سوز و گداز انسان را نسبت به خداوند بیان می‌کند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِلَا أَوْلٍ كَانَ قَبْلَهُ... ابْتَدَعَ بِقَدْرَتِهِ الْخَلْقَ ابْتِدَاعًا، وَ اخْتَرَعَهُمْ عَلَى مَشِيئَتِهِ اخْتِرَاعًا، ثُمَّ سَلَكَ بِهِمْ طَرِيقَ إِرَادَتِهِ، وَ بَعَثَهُمْ فِي سَبِيلِ مَحَبَّتِهِ، لِأَيْمَلِكُونَ تَأْخِيرًا عَمَّا قَدَّمَهُمْ إِلَيْهِ...» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۸، ۳۲)

۱-۲- انسان موجودی فرا دنیوی

بعضی از ابیات منسوب به امام (ع) بشر را موجودی دو جهانی معرفی می‌کند که مرگ فقط واسطه ای است که او را به جهان جاوید منتقل می‌کند. این ابیات، اشاره به دغدغه درست زیستن انسان در دنیای کنونی دارد؛ امام (ع) ضمن درخواست رفع گرفتاری و برطرف شدن نیازهای دنیوی، پاکدامنی، آسایش و آرامش در زندگی را از خداوند می‌طلبد تا با زاد و توشه ای کافی پای به دیگر سرای گذارد.

<p>«سَهْلٌ أُمُورِي وَ اخْتَمَهَا بِمَنْقَلِي^۱ حَقَّقَ بِجُودِكَ أَمَالِي وَ مَنْقَلِي وَ لَأَتُوَّاحِدِي بِالذَّنْبِ تَعَلُّمُهُ (الموحد الأبطحي، ۱۴۱۸، ۵۱۷)</p>	<p>أَسْتُرُّ عُيُوبِي وَ بَلَّغَنِي مُرَادَاتِي بَعْدَ الْمَمَاتِ بِرَوْضَاتِ وَ جَنَّاتِ وَ اغْفِرْ بُجُودِكَ يَا رَبِّي خَطِيئَاتِي (الموحد الأبطحي، ۱۴۱۸، ۵۱۷)</p>
--	---

از این رو انسان وارسته باید هم از دنیا غافل نشود و هم در اندیشه جهانی ابدی باشد. و از این جهت امام (ع) رفع نیازهای دنیایی خویش را با این زبان از خداوند می‌طلبد: «وَأَجْمَعُ لِي الْغِنَى وَ الْعِفَافَ وَ الدَّعَةَ وَ الْمُعَافَاةَ وَ الصَّحَّةَ وَ السَّعَةَ وَ الطَّمَأْنِينَةَ وَ الْعَافِيَةَ... وَ صُنْ وَ جْهِي عَنِ الطَّلَبِ إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ وَ دُبِّي عَنِ التَّمَسُّكِ مَا عِنْدَ الْفَاسِقِينَ وَ لَا تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِينَ ظَهِيرًا» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۸، ص ۳۶۶)

۱-۳- انسان در گرو کردار خویش

اختیار و اراده یکی از ویژگی‌های انسان از دیدگاه قرآن است. و بر این اساس انسان، سازندهٔ سعادت یا شقاوت خویش است. در ابیات زیر امام به طور ضمنی به مختار بودن انسان اشاره کرده و در قالب استفهام آدمی را به انجام اعمالی سوق می‌دهد که به ویرانی آخرت و آبادانی دنیا منجر نگردد.

«تُحْرَبُ مَا يَبْقَى وَ تَعْمُرُ فَنَاءً^۲ وَ لَا ذَاكَ مَوْفُورٌ وَ لَا ذَاكَ عَامُرٌ^۲»

وَ هَلْ لَكَ إِِنْ وَاوَاكَ حَتْفُكَ بَغْتَةً وَ لَمْ تَكْتَسِبْ خَيْرًا لَدَى اللَّهِ عَازِرٌ^۳
أُتْرَضَى بِأَنْ تَفْتَى الْحَيَاةُ وَ تَنْقُضِي وَ دِينُكَ مَنْقُوصٌ وَ مَالُكَ وَاْفِرُ^۴
(الموحد الأبطحي، ۱۴۱۸، ۵۰۰)

امام (ع) در صحیفه نیز این مضمون را آورده است: «رَبِّ أَفَحَمَّتَنِي ذُنُوبِي، وَأَنْقَطَعَتْ مَقَالَتِي، فَلَا حِجَةَ لِي، فَأَنَا الْأَسِيرُ بَيْلِيَّتِي، الْمُرْتَهَنُ بِعَمَلِي، الْمُتَرَدِّدُ فِي خَطِيئَتِي، الْمَتَحِيرُ عَنْ قَصْدِي، الْمُنْقَطِعُ بِي» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۸، ۴۰۶)

۲- ویژگی‌های منفی انسان

انسان به عنوان یکی از موجودات جهان آفرینش، دارای کاستی‌هایی است که به بروز جنبه‌هایی منفی در او منجر می‌شود و او را از فطرت خداجوی خود باز می‌دارد. بی‌گمان این نقایص و ضعف‌ها می‌تواند این خلیفه الله و برترین آفریده خداوند را از قلّه عزّت به حضيض ذلّت کشانده و در حقیقت از ذات خویش غافل کند. قدرت اندیشه و ادراک و معرفت را از او سلب نموده و دیده‌اش را بی نور و گوش او را، ناشنوا کرده و وی را به وادی گمراهی بیندازد. برخی از این صفات بازدارنده و منفی که در صحیفه و کلام منظوم امام (ع) آمده‌اند، عبارتند از:

۲-۱- ضعف در برابر خواهش‌های نفسانی:

وجود نفس اماره در آدمی - که برای ابتلا و آزمایش اوست و غلبه بر آن نیاز به جهاد اکبر دارد- شاید از این رو باشد که قرآن کریم که از یک طرف با: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (الإسراء، ۷۰) و «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (التین، ۴) شعار برتری انسان را سر داده است و همزمان زنگ خطر را برای او به صدا درآورده که: «ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ» (التین، ۵) که پیروی از هوای نفس او را به ورطه سقوط کشانده و در دام گناه و خطا گرفتار می‌سازد و نابود می‌کند.

«أَلَمْ تَسْمَعْ بِفَضْلِكَ يَا مُنَايَ دُعَاءٍ مِنْ ضَعِيفٍ مَبْتَلَاءِ
غَرِيقًا فِي بَحَارِ الْغَمِّ حُزْنًا أُسِيرًا بِالذُّنُوبِ وَ بِالْخَطَايَا
تَفَضَّلْ سَيِّدِي بِالْعَفْوِ عَنِّي فَآتِي فِي بَلَاءٍ مِنْ بِلَائِي»
(الموحد الأبطحي، ۱۴۱۸، ۵۱۶)

امام (ع) در صحیفه نیز به این ضعف انسان اشاره کرده و برای رهایی از خواهش‌های نفسانی از خداوند طلب یاری می‌کند. «فَعِلْ بِنَا إِلَى مَا يُرِيضُكَ عَنَّا وَأَوْهِنُ قُوَّتَنَا عَمَّا يُسْحِطُكَ عَلَيْنَا، وَلَا تُحَلِّ فِي ذَلِكَ بَيْنَ نَفْسِنَا وَأَخْتِيَارِهَا، فَإِنَّمَا مَخْتَارَةٌ لِلْبَاطِلِ إِلَّا مَا وَفَّقْتَ، أَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمْتَ، اللَّهُمَّ وَإِنَّكَ مِنَ الضَّعْفِ خَلَقْتَنَا وَعَلَى الْوَهْنِ بَنَيْتَنَا. (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۸، ۸۲)

در حقیقت انسان از دیدگاه اسلام موجودی غریزی- فطری است و چنانچه غرایز نفسانی بر او تسلط یابد به سوی حیوانیت و بدبختی کشیده خواهد شد و اگر گرایش‌های عالی و فطری بر او حاکم گردد، راه کمال و قرب الهی را خواهد سپرد. (فرزانه، انسان‌شناسی در صحیفه سجادیه، ۱۳۸۷/۱/۲۰) بدین جهت با محقق شدن وضع اول از میل و علاقه او به اعمال نیکو، یاد خداوند، وفای به عهد و... کاسته و یا تمام می‌شود و حرام خداوند را مرتکب می‌شود.

فَمَا يَرْجُوهُ رَاجٍ لِلْحِفَاظِ	« إِذَا الْإِنْسَانُ حَانَ النَّفْسَ مِنْهُ
وَلَا الْإِصْغَاءُ نَحْوَ الْإِتْعَازِ »	فَلَا وَرِعٌ لَدَيْهِ وَلَا وَقَاءُ
(عماد زاده، ۱۳۳۸ ش، ۳۱۶)	

امام (ع) همچنین در بخشی از دعای سیزدهم صحیفه، انسانی را به تصویر می‌کشد که در دام نفس گرفتار شده و تمام تلاش‌ها و چاره اندیشی‌هایش به شکست انجامیده است. «اللَّهُمَّ وَلِيَّ إِلَيْكَ حَاجَةٌ قَدْ قَصَّرَ عَنْهَا جُهْدِي، وَتَقَطَّعَتْ دُونَهَا حِيلِي، وَسَوَّلَتْ لِي نَفْسِي رَفَعَهَا إِلَى مَنْ يَرْفَعُ حَوَائِجَهُ إِلَيْكَ، وَلَا يَسْتَعِينِي فِي طَلِبَاتِهِ عَنكَ، وَهِيَ زَلَّةٌ مِنْ زَلَلِ الْخَاطِئِينَ، وَعَثْرَةٌ مِنْ عَثْرَاتِ الْمَذْنِبِينَ» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۸، ۱۰۰)

۲-۲- گرفتاری در دام حرص و آز

از دیگر ویژگی‌های منفی انسان حرص و طمع بی اندازه او در دنیا است. او بدون هرگونه اندیشه، برای زیاده خواهی‌های خود تلاش می‌کند و منافع کوتاه مدت را بر منافع بلند مدت و نامحدود جهان آخرت ترجیح می‌دهد و به سبب افراط در خواسته‌های دنیوی و مادی، باعث خواری و هلاکت خود می‌شود.

«وَأَنْتَ عَلَى الدُّنْيَا مُكَيَّبٌ مُنَافِسٌ
لِيُحَطِّبَهَا فِيهَا حَرِيصٌ مَكَائِرٌ»
أَتَدْرِي بِمَاذَا لَوْ عَقَلْتَ تُحَاطِرٌ»
(مجلسی، ۱۴۰۳، ۸۳/۴۶)

امام سجاد (ع) در بخشی از دعای هشتم صحیفه از حرص، طمع، اسراف و غضب، به خداوند پناه می‌برد. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيْجَانِ الْحَرِصِ وَ سَوْرَةِ الْعُضْبِ وَ غَلْبَةِ الْحَسَدِ وَ ضَعْفِ الصَّبْرِ وَ قَلْبِهِ الْقِنَاعَةِ...» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۸، ۷۸) و در قسمتی از دعای چهاردهم صحیفه گوید: «... أَعُوذُ مِنْ سُوءِ الرَّغْبَةِ وَ هَلَعِ أَهْلِ الْحَرِصِ» (همان، ۱۰۸)

۲-۳- غفلت

غفلت و خودفراموشی که به تعبیر قرآن ثمره خدا فراموشی است، یکی از بلاهایی است که دامن انسان را می‌گیرد. این خصلت در بسیاری از موارد موجب انحرافات و از دست رفتن فرصت‌ها و سقوط و هلاکت او می‌شود تا حدی که انسان خدا و خویش‌نشدن و اهداف عالی خود را فراموش می‌کند. برای این که دنیا و زیبایی‌های فریبنده آن، او را مدهوش کرده و قدرت درک و تشخیص را از او می‌گیرد. (ابراهیمی فر، "مبانی، اصول، روش‌ها و اهداف تربیتی در صحیفه سجادیه"، ۱۳۸۷/۱/۲۰)

وَحُبُّكَ لِلدُّنْيَا غُرُورٌ وَ بَاطِلٌ
وَ فِي ضَمْنِهَا لِلرَّاعِبِينَ الْبَوَائِقُ^۶
(عمادزاده، ۱۳۳۸، ۳۱۸)

در اشعار منسوب به امام سجاد (ع) به گونه‌هایی از غفلت اشاره شده است. یکی از آنها خدا فراموشی - غفلت از راه هدایت و یاد خدا - است.

وَ فِي ذِكْرِ هَوْلِ الْمَوْتِ وَ الْقَبْرِ وَ الْبَلِي
أَبْعَدَ اقْتِرَابِ الْأَرْبَعِينَ تَرْبُصٌ^۷
كَأَنَّكَ مَعْنِي بِمَا هُوَ ضَائِرٌ
عَنِ اللَّذَاتِ لِلْمَرْءِ زَاجِرٌ^۶
وَ شَيْبُ الْقَذَالِ مُنْذُ ذَلِكَ ذَاعِرٌ^۷
لِنَفْسِكَ عَمْدًا أَوْ عَنِ الرَّشْدِ جَائِرٌ»
(مجلسی، ۱۴۰۳، ۸۴/۴۶)

از دیگر موارد غفلت، خود فراموشی است بدین صورت که انسان هدف اصلی آفرینش خود را که همان تکامل و عمل به مسؤولیت‌های خود که نتیجه آن رستگاری در هر دو جهان است، از یاد ببرد و حریصانه به دنیا دل ببندد و جاودانگی و موفقیت خود را در دیگر جهان فراموش کند.

«و أنت على الدنيا مكبٌ منافِرٌ
 على خطرٍ تُمسي و تُصبحُ لاهياً
 و إن امرأاً يسعی لِدُنْياه جاهداً
 لِخُطابِها فيها حریصٌ مُکائِرٌ
 أتدری بماذا لو عَقَلتَ تخاطِرٌ
 و یَذْهَلُ عَنُّهُ أخراه لاشكَّ خاسرٌ»
 (مجلسی، ۱۴۰۳، ۸۳/۴۶)

امام (ع) در همین زمینه بیان می‌دارد که غفلت، بشر را از هدف آفرینش یعنی گام برداشتن در مسیر تکامل و عمل به مسئولیت‌هایش دور می‌کند. «یا غفلتی! عما یُرادُ بی» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۸، ۴۰۸)

۳- انسان آرمانی

خویشتن‌شناسی ریشه اصلی سعادت در هر دو جهان است. این عامل تعیین‌کننده، تحصیل کمالات و زوال رذایل اخلاقی را به دنبال دارد. (احمدی بیرجندی، ۱۳۷۹، ۱۴) زیرا انسان از این رهگذر در اندیشه آن است که بداند کیست، از کجا آمده، برای چه آفریده شده و به کجا خواهد رفت. از این رو تلاش می‌کند که خود را بشناسد و به سوی سرمنزل مقصود گام بردارد. گوهر وجود چنین انسانی به فضایل انسانی آراسته می‌شود. بعضی از خصایص چنین افرادی در اشعار منسوب به امام سجاد (ع) بدین سان تجلی می‌یابد.

۳-۱- باورهای انسان آرمانی

حقیقت یکی از موضوعات مهم است که از دیر باز ذهن بشر را به خود مشغول کرده است. انسان نه تنها به اقتضای فطرت خود طالب و مایل به خداوند است بلکه در نهاد او قدرت تدبیر و اندیشه قرار دارد که قادر است درباره حقیقت آفرینش خود بیندیشد و در راه رسیدن به حقیقت وجود خود به خداوند، عدل، رسالت پیامبر، معاد و ... یقین پیدا کند که ذیلاً به شرح و بررسی آنها در اشعار و صحیفه امام (ع) پرداخته می‌شود:

۳-۱-۱ ایمان به توحید

برخی از ابیات منسوب به امام سجاد (ع) بیانگر ایمان بشر به خداوند است که او را از هر گونه شرک، تردید و الحاد باز می‌دارد. چنین ایمانی بر پایه فطرت انسانی و تدبیر و

اندیشه استوار است و صاحب خود را به این یقین می‌رساند که مهمترین آسیب آن، گرایش به مظاهر دنیوی و هوس‌های شیطانی است.

«مَنْ عَرَفَ الرَّبَّ فَلَمْ تُغْنِهِ مَعْرِفَةُ الرَّبِّ فَهَذَا الشَّقِيُّ
ما ضَرَّ في الطاعة ما ناله في طاعة الله و ماذا لقي؟
ما يصنع العبدُ بعزِّ الغنى والعزُّ كلُّ العزِّ للمُنْتَقِي»

(ابن شهر آشوب، بی تا، ۱۴۰/۴ و مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۵۱/۴۶)

خداوند در تمام شؤون زندگی چنین انسانی هدف است و با عبادت به درگاه او به لطف، رحمت و غفران پروردگارش امیدوار است.

«يا مَنْ يُجيبُ دعا الممضطرِّ في الظلمِ يا كاشفَ الضرِّ و البلوى مع السقمِ
قد نامَ وَفدك حولَ البيتِ قاطبةً و أنتَ وَحدك يا قيومَ لم تنمِ
أدعوك ربُّ دُعاءً قد أمرتَ بهِ فأرحمَ بكائي بحقِّ البيتِ و الحرمِ
إن كان عفوك لا يرجوه ذوسرفِ فمَنْ يَجودُ على العاصينَ بالنعمِ»
(ابن شهر آشوب، بی تا، ۱۵۰/۴)

امام سجاد (ع) درباره خداجویی انسان بیان می‌دارد که توفیق در ارتباط خالصانه با معبود فقط با فضل او ممکن است. وی در بخشی از دعای اول صحیفه می‌گوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا عَرَّفْنَا مِنْ نَفْسِهِ، وَالْهَمْنَا مِنْ شُكْرِهِ، وَفَتَحَ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ بِرَبِّوَيْتِهِ، وَدَلَّنَا عَلَيْهِ مِنْ الْإِخْلَاصِ لَهُ فِي تَوْحِيدِهِ، وَجَبَّنَا مِنَ الْإِلْحَادِ وَ الشُّكِّ فِي أَمْرِهِ». (صحیفه سجادیه (ع)، ۱۳۷۸، ۳۶) و وقتی فطرت خداجوی در انسان خشکیده و نابود شود، آدمی از حدود انسانیت به مرز حیوانیت سقوط می‌کند. «وَأَسْبَغَ عَلَيْهِمْ مِنْ نِعْمِهِ الْمَتَظَاهِرَةَ، لَتَصْرَفُوا فِي مَنِّهِ، فَلَمْ يَحْمَدُوهُ، وَتَوَسَّعُوا فِي رِزْقِهِ فَلَمْ يَشْكُرُوهُ، وَلَوْ كَانُوا كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حُدِّ الْبَهِيمِيَّةِ». (همان، ۳۴)

۳-۱-۲- ایمان به عدل

یکی از شاخصه‌های انسان آرمانی ایمان به عدالت خداست که سرچشمه آن، ایمان به قدرت خدا و عدم ضعف و شتاب او در امور است.

«و كلُّ الذي أسلفتُ في الصُّحفِ مُثَبَّتٌ يُجازي عليه عادلُ الحكمِ قاهرٌ

و كيف يَلدُّ العيشَ مَنْ هو مُوقِنٌ بِمَوْقِفِ عَدَلٍ حِينَ تُبلى السَّرَائِرُ»
(مجلسی، ۱۴۰۳، ۹۳/۴۶)

امام در بخشی از دعای چهل و هشتم، عدالت، عدم ضعف و شتاب را از ویژگی‌های قهاریت و قدرت خداوند می‌داند و می‌گوید: «إلهي ... وَ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَيْسَ فِي حُكْمِكَ ظَلَمٌ، وَ لَا فِي نِقْمَتِكَ عَجَلَةٌ، وَإِنَّمَا يَعْجَلُ مَنْ يَخَافُ الْفَوْتَ، وَإِنَّمَا يَحْتَاجُ إِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفُ، وَ قَدْ تَعَالَيْتَ - يَا إِلَهِي - عَنِ ذَلِكَ عُلُوًّا كَبِيرًا» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۸، ۳۷۸)

۳-۱-۳- ولایت پذیری

خداوند در قرآن کریم یکی از ویژگی‌های مؤمنان را اطاعت از پیامبر (ص) و اولی الامر بیان می‌کند؛ از این رو انسان آرمانی باید باوری قوی به حضرت محمد (ص) و ائمه اطهار داشته باشد و گرنه فاقد شرایط انسان کامل است. در بعضی از اشعار منسوب به امام سجاد(ع) به لزوم ایمان راستین مردم به نبوت حضرت (ص) و امامت اهل بیت(ع) اشاره شده است. بدین صورت که هر کس حق محمد (ص) و اهل بیت وی را انکار کند و سفارش حضرت را در حق اهل بیت نادیده بگیرد، از جمله گمراهان است.

«يَحْكُمُ فِينَا وَ الْحُكْمُ فِينَهُ لَنَا جاحِدُنَا حَقًّا وَ غَاصِبِينَا»

(الأمین، بی تا، ۶۵۰/۱)

امام (ع) در صحیفه نیز به این ویژگی انسان کامل چنین اشاره کرده است: «اللَّهُمَّ واجعلني من أهل التَّوْحِيدِ وَ الْإِيمَانِ بِكَ، وَ التَّصَدِيقِ بِرَسُولِكَ وَ الْأُمَّةِ الَّذِينَ حَمَتَ طَاعَتَهُمْ».
(صحیفه سجادیه، ۱۳۷۸، ۳۷۶)

اشعار منسوب به امام (ع) نیز به این مهم اشاره دارد که حضرت محمد (ص) و اهل بیت الگوهای شرافت و بزرگ منشی و الگوی انسانها در راهیابی به راه حق، سرافرازی، موفقیت و رسیدن به بهشت جاویدان‌اند.

«لَنَحْنُ عَلَى الْحَوْضِ دُوَادُهُ نَذُوقُ وَ نَسْقِي وَ رَوَادُهُ»

وَ مَا فَازَ مَنْ فَازَ إِلَّا بِنَا وَ مَا خَابَ مَنْ حُبْنَا زَادُهُ

وَ مَنْ سَاءَ نَالَ مِنَّا السَّرُورُ وَ مَنْ كَانَ غَاصِبِنَا حَقَّنَا

فِيَوْمِ الْقِيَامَةِ مِعَادُهُ»

(ابن شهر آشوب، بی تا، ۱۵۶/۴)

امام سجاد (ع)، علاوه بر این که اهل بیت را خزانة داران علم خداوند و حجت او بر بندگان و واسطه رسیدن به او و بهشت معرفی می کند، آن ها را جانشین خداوند بر روی زمین می داند. « رَبِّ صَلِّ عَلَي أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَ جَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ وَ حَفَظَةَ دِينِكَ وَ خَلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ وَ حُجَجَكَ عَلَي عِبَادِكَ، وَ ... وَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ وَ الْمَسْلَكَ إِلَى جَنَّتِكَ ». (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۸، ۳۴۰)

۳-۱-۴- ایمان به معاد

از نگاه اسلام بخشی از زندگی انسان در این جهان سپری می شود و بخش دیگر مربوط به دنیای پس از مرگ است. برخی از ابیات منسوب به امام (ع) اشاره دارد که یکی از ویژگی های انسان کامل، یقین به فناى دنیای مادی و ایمان استوار به بقای سرای آخرت است.

«و كَيْفَ تُطِيقُ يَوْمَ الْحَشْرِ حَمَلًا
هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي لَا وُدَّ فِيهِ
لَأَوْزَارِ الْكِبَائِرِ كَالرَّوَاسِي
وَلَا نَسْبٍ وَلَا أَحَدٌ يُوَاسِي»
(عمادزاده، ۱۳۳۸، ۳۱۷)

«تُخَرَّبُ مَا يَبْقَى وَ تَعْمُرُ فَانِيًا
وَلَا ذَاكَ مَوْفُورًا وَ لَا ذَاكَ عَامِرًا»
(مجلسی، ۱۴۰۳، ۸۷/۴۶)

امام (ع) به اشکال گوناگون ایمان انسان های آرمانی به آخرت را گوشزد کرده است. «اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَرَرْتَنِي بِعَفْوِكَ وَ تَعَمَّدْتَنِي بِفَضْلِكَ فِي دَارِ الْفَنَاءِ بِحَضْرَةِ الْأَكْفَاءِ، فَأَجْرُنِي مِنْ فَضِيحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۸، ۲۳۲)

در دیگر جای، قیامت را روز حشر و ملاقات انسان ها با یکدیگر می داند. «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ هَوِّنْ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَي أَنْفُسِنَا كَرَبِّ السِّيَاقِ وَ ... وَ كَانَتْ الْقُبُورُ هِيَ الْمَأْوَى إِلَى مِيقَاتِ يَوْمِ التَّلَاقِ». (همان، ۲۸۰)

پاره ای از اشعار منسوب به امام (ع) قیامت را زمان بازخواست، رسوایی، حسرت و پشیمانی می داند و از این رو انسان آرمانی به سبب گناهان، و باز خواستش در آن روز از خداوند طلب مغفرت می کند.

«حَقَّقْ بِجُودِكَ آمَالِي وَ مَنقَلِبِي
بَعْدَ الْمَمَاتِ بِرُوضَاتِ وَ جَنَّاتِ

و لاتؤاخذني بالذنبِ تَعَلَّمُهُ واغفر بـجودك يا ربِّي خطيئاتي»
(الموحد الأبطحي، ۱۴۱۸، ۵۱۷)

امام (ع) همین مضمون را در صحیفه با این زبان بیان می‌کند: «ولاتَفْضَحْنَا فِي حَاضِرِي الْقِيَامَةِ بِمُوبِقَاتِ آثَامِنَا، وَ... وَ نَجِّنَا بِهِ مِنْ كُلِّ كَرْبٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ... وَ بِيضٌ وَجُوهَنَا يَوْمَ تَسْوَدُ وَجُوهُ الظُّلْمَةِ فِي يَوْمِ الْحَسْرَةِ وَ النَّدَامَةِ». (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۸، ۲۸۰)

۴- ویژگی‌های اخلاقی - رفتاری

آدمی دارای قوا و گرایش‌های متنوع و بعضاً متفاوتی است که وقتی تعدیل بین آن‌ها حاصل شد، هر جزئی از اجزای نفس از دیگری کسب نور و روشنایی می‌کند. دیده‌های نفس گشوده می‌شود و شایسته قرب خداوند می‌گردد. عدالت گرد نزاع را از چهره قوای مخالف می‌زداید و همه آنها را به حد وسط راهبر می‌شود. بدین طریق نوعی وحدت در نفس حاصل می‌گردد. در این صورت انسان در برابر نعمت‌هایی که خداوند به او ارزانی داشته ناسپاسی نمی‌کند، به درگاه خداوند سر بندگی و عبودیت می‌ساید و خود را ملزم به ادا کردن حقوق دیگران، رد امانت، وفای به عهد، ظلم ستیزی، صبر و شکیبایی، عفو، عیب پوشی و ... می‌کند. (احمدی بیرجندی، ۱۳۷۹، ۱۷-۱۵)

۴-۱ عبودیت و بندگی خداوند

یکی از ویژگی‌های اخلاقی، رفتاری انسان موحد، پذیرش وابستگی و احساس نیاز واقعی به خداوند و طلب گشایش و فراخی زندگی از اوست.

أَنْتَ الْعَلِيمُ بِمَا يَحْوِي الضَّمِيرُ بِهِ يَا عَالِمَ السِّرِّ عَلَّامَ الْخَفِيَّاتِ
اِقْضِ الْحَوَائِجَ لِي رَبِّي فَلَسْتُ أُرَى سَوَاكَ يَا رَبَّ مِنْ قَاضٍ لِحَاجَاتِي
وَسَّعَ بِفَضْلِكَ لِي رِزْقًا أَعِيشُ بِهِ يَا قَاسِمَ الرِّزْقِ مِنْ فَوْقِ السَّمَاوَاتِ
(الموحد الأبطحي، ۱۴۱۸، ۵۱۷)

امام (ع) این ویژگی انسان حقیقی را در صحیفه چنین بیان می‌کند. «اللَّهُمَّ إِنَّكَ إِنْ صَرَفْتَ عَنِّي وَجْهَكَ الْكَرِيمَ، أَوْ... لَمْ أَجِدِ السَّبِيلَ إِلَى شَيْءٍ مِنْ أَمَلِي غَيْرَكَ، وَ لَمْ أَقْدِرْ عَلَى مَا عِنْدَكَ بِمَعُونَةِ سَوَاكَ، فَإِنِّي عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، ... ، وَ لَا قُوَّةَ لِي عَلَى الْخُرُوجِ مِنْ سُلْطَانِكَ». (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۸، ۱۵۶).

۴-۲ اعتراف به گناه و توبه بدرگاه خداوند

انسان مؤمن چون احتمال می دهد که گاهی خواسته یا ناخواسته مرتکب گناهای شده باشد در پیشگاه خداوند به گناهان خود اقرار نموده و از خداوند طلب مغفرت می کند تا از او درگذرد و توبه را تنها راه نجات و رهایی از هلاکت می داند.

«ألا يا رجائي أنتَ كاشفُ كربِي فهِبْ لي ذنوبي كُلِّها وَأَقْضِ حاجتي
فزادي قليلٌ ما أراه مُبلِّغي أَلْزَادِ أبكي أَمْ لِبُعْدِ مَسَافتي
أتيتُ بأعمالٍ قباحٍ رديّةٍ فما في الوري خلقٌ جني كجنايتي
فيا سيدي فامُنْ عليّ بتوبَةٍ فَإِنَّكَ رَبِّي عالمٌ بِمِقالتي»
(الموحد الأبطحي، ۱۴۱۸، ۵۱۴)

در بخشی از دعای دوازدهم نیز توبه باعث صلاح و رفع فساد در انسان ها معرفی شده است: «يا مَنْ عَوَدَ عبادَه قبول الإناية، و يا مَنْ استصلَحَ فاسِدَهُم بالتَّوبَةِ». (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۸، ۹۳)

۴-۳- ظلم ستیزی

انسان مومن فردی ظلم ستیز است: بدین معنا که نه ستم می کند و نه ستم دیگران را می پذیرد؛ زیرا ایمان دارد که نتیجه ظلم و میل به ظالم هلاکت و آتش دوزخ است. امام (ع) در برخی از اشعار خود، بعد از واقعه کربلا، هنگام ورود اسرا به کوفه و در اوج خفقان به دفاع از اهل بیت و ستیز با ستمی که به آنها رفته بود، می پردازد.

لاغروا إن قُتِلَ الحَسينُ فشيخُهُ قَدْ كانَ خيراً مِنْ حَسينٍ وأَكرما
فلا تفرحوا يا أهلَ كوفانَ الَّذي أُصِيبَ حَسينٌ كانَ ذلكَ أعظَمَما
قتيلٌ بشطِّ النهرِ رُوحِي فداؤُهُ جزاءُ الَّذي أَرادَهُ نارُ جهنما»
(مجلسی، ۱۳۸۹، ۱۳۶/۴۵)

امام (ع) در همین معنا در بخشی از دعای عرفه، یکی از مشخصه های رهبران دینی را، ظلم ستیزی می داند. «اللهمَّ إِنَّكَ أَيْدَتَ دِينِكَ في كلِّ أوانٍ بِإمامٍ أقمته عَلَماً لِعِبادِكَ و... صلواتُكَ اللهمَّ عليه و آلِهِ وَ أَحِبِّ بِهِ ما أَماتَهُ الظالمونَ منَ معالمِ دِينِكَ و اجلُ بِهِ صَداءُ الجورِ عن طريقتِكَ، ... و ابسُطْ يَدَهُ عليّ أَعْدائِكَ». (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۸، ۳۴۴-۳۴۲)

۴-۴ سپاسگزاری

از ویژگی‌های انسان برتر شکرگزاری نعمت‌هایی است که خداوند به او بخشیده است؛ چرا که او باور دارد، کفران و قدرناشناسی نعمت‌ها، نشانه بی‌خردی است. از جمله نعمت‌هایی که در اشعار منسوب به امام سجاد بارها به آن اشاره شده است و بیشتر مردم روزگار حضرت، ناسپاس آن بودند، نعمت نبوت و امامت اهل بیت است.

«یا أُمَّةَ السَّوِّءِ لَا سَقِيًّا لِرَبِّكُمْ
لَوْ أَنَّا وَرَسُولُ اللَّهِ يَجْمَعُنَا
تُسَيِّرُونَا عَلَى الْأَقْتَابِ عَارِيَّةً
أَلَيْسَ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ وَيَلْكُمُ

يا أُمَّةَ لَمْ تُرَاعِ جَدَّنَا فِينَا
يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ
كَأَنَّا لَمْ نَشَيْدْ فَيْكُمْ دِينًا^{۱۲}
أَهْدَى الْبَرِّيَّةَ مِنْ سُبُلِ الْمُضْلِينَ»
(مجلسی، ۱۳۸۹، ۱۱۴/۴۵)

امام (ع) در صحیفه شکر نعمت‌های خداوند را بر انسان لازم می‌داند و «لک الشکرُ علی ما خَوَّلْتَنَا مِنَ النِّعَمَاءِ». (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۸، ۲۴۸) وی همچنین از خدا می‌خواهد تا قدرشناس نعمت هدایت و نبوت حضرت محمد(ص) و ائمه و اهل بیت که رهبران و هادیان مردم‌اند، باشد. «اللهم إِيَّاكَ أَيْدَت دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عِلْمًا لِعِبَادِكَ... اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لَوْلِيكَ شَكَرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِ، وَأَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ، وَآتِهِ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا...» (همان، ۳۴۲)

۴-۵ نیک انجامی

از آن جا که انسان فطرتاً در پی کمال است و گناه، غفلت و آرزوهای دور و دراز، او را از این هدف متعالی باز می‌دارد. انسان متعهد همیشه از خداوند سرانجام و عاقبتی نیک برای خود خواستار است.

«سَهِّلْ أُمُورِي وَ اخْتِمْهَا بِعَنْقَلِي
حَقِّقْ بِجُودِكَ أَمَالِي وَ مَنقَلِي
أُسْتُرْ غُيُوبِي وَ بَلِّغْني مَرَادَاتِي
بَعْدَ الْمَمَاتِ بِرُوحَاتِ وَ جَنَاتِ»
(الموحد الأبطحي، ۱۴۱۸، ۵۱۷)

این موضوع در دعا‌های امام (ع) نیز جایگاهی ویژه دارد. وی در قسمتی از دعای پنجم گوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ لَا تَفْضَحْنَا لَدَيْكَ. اللَّهُمَّ أَغْنِنَا عَنْ هِبَةِ الْوَهَابِينَ بِهَيْبَتِكَ، وَ أَكْفِنَا وَ حَشَةَ الْفَاطِعِينَ بِصَلَاتِكَ، حَتَّى لَا نَرْغَبَ إِلَى أَحَدٍ مَعَ بَدْلِكَ». (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۸، ۶۲)

۴-۶ صبر و شکیبایی

انسان در راه زندگی همواره با موانع گوناگون روبرو می‌شود. و یکی از شاخصه های موفقیت، سرفرازی، نجات، امیدها و صبر و بردباری است که او را از گرفتار شدن در دام دنیا و بازماندن از لذت جهان آخرت باز می‌دارد.

«لباسی للذّنيا التّجمل و الصبر و لُبسي للأخري البشاشة و البشُر
إذا عتراني أمرُ التجأتُ إلى العرا لِأُتِي مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ لَهُمْ فَخْرٌ»^{۱۳}
(ابن شهر آشوب، بی تا، ۱۶۶/۴)

هرچند امام (ع) در صحیفه در موارد متعددی به ناشکیبایی انسان، در گرفتاریها و بلاهای متعدد اشاره کرده است. «اللّهُمَّ لاطاقَةَ لي بِالْجَهْدِ، ولاصبرَ لي على البلاءِ، و لا قوّةَ على الفقرِ» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۸، ۱۶۲) ولی صبر و شکیبایی را از صفات نیک انسان می‌داند که باعث تأیید، موفقیت و رستگاری او می‌شود. «اللّهُمَّ فَصَلِّ على مُحَمَّدٍ و آلِهِ، وَ أَيْدِي مَنْكَ بِنِيَّةٍ صادِقَةٍ و صبرٍ دائِمٍ، وَ أعِذْني مِنْ سَوْءِ الرّغْبَةِ و ...» (همان، ۱۰۸)

نتیجه:

در میراث مکتوب ادبیات عربی، اشعاری منسوب به بزرگان و رهبران دینی است که برخی از آنها از زبان امام زین‌العابدین (ع) آورده شده است. در بررسی حدود صد و پنجاه بیت از این اشعار از بُعد انسان شناختی که بیشتر آنها در قالب راز و نیاز با پروردگار و پند و اندرز است، نتایج زیر بدست آمد:

الف) این پژوهش در کنار اشعار منسوب، شواهدی متناسب با هر مضمون از کلام منثور امام (ع) را ذکر نموده که این وحدت در مفاهیم، صحّت انتساب این اشعار را تقویت می‌کند.

ب) بعضی از این اشعار با پرداختن به صفات مثبت و منفی انسان به اموری اشاره دارند که اصول تربیتی انسان بر آنها مبتنی است: بدین معنا که آدمی با تقویت صفات مثبت و اصلاح صفات منفی قادر است در مسیر کمال واقعی خود که حاصل آن موفقیت و رستگاری است، گام بردارد.

ج) دیگر اشعار مخصوصاً در بحث انسان آرمانی و ایده آل، به انسان بینش و شناختی درست می‌دهد تا از خطاهای خود پرهیز کند. این نوع بینش بیشتر در مواجهه با دنیا، حقیقت انسان، مرگ و معاد است که زندگی انسان با تکیه بر آنها هدفمند می‌شود و انسان از پوچ‌گرایی، یأس و ناامیدی که حاصل آن شکست و هلاکت است، روی بر می‌تابد.

د) پاره‌ای از ابیات، گرایش‌های انسان را هدایت و کنترل نموده و او را از انحراف باز می‌دارد که این ویژگی را در مضامین اشعاری که به مبحث اعتراف به گناه و توبه و سپاسگزاری پرداخته‌اند، کاملاً مشهود است.

ه) مضامین دیگر این اشعار به جنبه رفتاری انسان که همان ارائه الگوهای رفتاری صحیح از قبیل نیکی کردن در برابر بدی، رفق و مدارا با والدین و همسایگان، روش تکریم و احترام و ... است، مربوط می‌شود که در معارضات امام (ع) با بنی‌امیه ملموس است. حضرت در این معارضات شیوه تقابل را برگزیده است. بدین معنا که علنی بغض خود را به بنی‌امیه اظهار داشته است. باید یادآور شد که در شیوه تربیتی امام (ع)، خداوند محور حبّ و بغض است که در مضامین این گونه اشعار، این مفهوم آشکارا به چشم می‌خورد.

پی‌نوشت‌ها

۱. اختمها بمنقلبی: مرا عاقبت به خیر گردان
۲. خانه آخرت را که سرای همیشگی و جاودان است خراب می‌کنی و دنیای فانی را آباد می‌سازی، نه از آن بهره‌ای داری و نه این را آباد توانی کرد.
۳. اگر مرگ ناگهان به سراغت بیاید در حالی که هیچ کار خیری در پیشگاه خدا نکرده‌ای، عذر و بهانه‌ای داری؟
۴. با این همه تو به دنیا و کار دنیا چسبیده‌ای و نسبت به دنیادوستان در اصل و تبار و حسب و نسب فخرفروشی کرده و آزمندانانه زیاده‌طلبی می‌کنی.
۵. بوائق: ج باثقة: سختی و بلا.
۶. زاجر: بازدارنده، تشر زننده، منع کننده.

۷. آیا پس از رسیدن به حدود چهل سالگی، در کمین آرزوهایی و حال آن که تو از آن زمان از سفید شدن موهای سر و گردن بیمناکی.
۸. یدھل عن: فراموش می‌کند.
۹. ذو سرف: زیاده‌روی کننده در گناهان.
۱۰. ما بر سر آبگیر شرافت هستیم در حالی که از آن دفاع می‌کنیم هم خود از آن می‌چشیم و هم به واردشوندگان می‌نوشانیم.
۱۱. من ساءتاً ساءً میلاده: هر کس ما را دلتنگ و آزرده خاطر سازد از بدو تولدش زشت کار و بد کار بوده است.
۱۲. شما ما را بر پشت اشتران بی‌جهاز می‌گردانید گویا، ما آن افرادی نیستیم که پایه دین را برای شما محکم کرده‌ایم!
۱۳. هنگامی که دچار مصیبت می‌شوم به فضای باز پناه می‌برم زیرا من از قومی هستم که فخر و مباهات برای آنان است.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

- ابراهیمی فر، علی اصغر، مبانی، اصول، روش‌ها و اهداف تربیتی در صحیفه سجادیه، ۸۷/۱/۲۰
- www . fa emam sajjad . com 1- 52 k.
- ابن درید الأزدي البصري، أبوبکر محمد بن الحسن، **جمهرة اللغة**، ۳ أجزاء، مطبعة دائرة المعارف العثمانية، حیدرآباد، ۱۳۴۵ھ
- ابن شهر آشوب، أبوجعفر رشیدالدین، مناقب آل أبي طالب، ۴ أجزاء، انتشارات علامه، قم، بی تا.
- ابن منظور، أبو الفضل جمال‌الدین، **لسان العرب**، ۱۵ جزءاً، دار صادر، بیروت، لبنان، الطبعة الثالثة، ۱۴۱۴ھ، ۱۹۹۴م.
- احمدی بیرجندی، احمد، **گزیده معراج السعادة ملا احمد نراقی**، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، آستان قدس، چاپ دوم، ۱۳۷۹ش.
- إربلي، علي بن عيسى، **كشف الغمة في معرفة الأئمة**، ۳ مجلد، انتشارات حقیقت، تبریز، ۱۳۸۱ هـ. ش.
- عماد زاده، عمادالدین حسین اصفهانی، **زندگانی حضرت سجاد زین العابدین علیه السلام**، شرکت سهامی طبع کتاب، تهران، ۱۳۳۸ش.
- الأمین، محسن، **أعيان الشيعة**، ۱۰ أجزاء، دارالتعارف للمطبوعات: بیروت، ۱۴۰۳ھ

الجواهري، اسماعيل بن حماد، **الصحيح**. تحقيق: أحمد بن عبد الغفور عطار، ۵ أجزاء، دار العلم للملايين، بيروت، الطبعة الرابعة، ۱۴۰۷ هـ، ۱۹۷۸ م.
الزبيدي، محمد مرتضى، **تاج العروس**، ۱۰ أجزاء، دار صادر، بيروت، ۱۳۸۶ هـ، ۱۹۶۶ م.
شهیدی، سید جعفر، **زندگانی علی بن الحسین**، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ ش.
صحيفة سجادية، ترجمة حسن ثقفی تهرانی، چاپ سوم، چاپخانه حیدری، ۱۳۷۸ هـ ش.
فرزانه، عبدالحمید، **انسان شناسی در صحیفة سجادية**، ۸۷/۱/۲۰.

www . fa emam sajjad . com 1- 52 k

فهری زنجانی، سید احمد، **آهی سوزان بر مزار شهیدان**، انتشارات جهان، تهران، بی تا.
مجلسی، محمد باقر، **بحار الأنوار**، ۱۱۰ أجزاء، کتابفروشی اسلامیة، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۹ ق.
الموحد الأبطحي، محمد باقر، **الصحیفة السجادية الجامعة**، موسسه چاپ و نشر قرآن کریم، قم، چاپ سوم، ۱۴۱۸ ق.
وجدانی، حسین، **زندگانی امام زین العابدین علی بن الحسین علیهما السلام**، ۲ مجلد، چاپخانه سپهر، تهران، ۱۳۵۳ ش.